

هشدار نسبت به قتل های خاموش در زندان ها

مادران پارک لاله



ما مادران پارک لاله ضمن تاکید بر سه خواست همیشگی خود؛ از سازمان ها و نهادهای حقوق بشری و تمامی مدافعان حقوق بشر و به ویژه از خانواده های زندانیان سیاسی می خواهیم تا دیر نشده از فاجعه انسانی دیگری در زندان های کشور جلوگیری کنند.

مرگ مشکوک هشت زندانی در زندان رجایی شهر (گوهردشت)، زنگ خطری را برای ما مدافعان حقوق بشر و فعالان سیاسی- مدنی به صدا در می آورد. اینها اخبار دردناکی است که در گوش و کنار به گوش می رسد، ولی شاید عمق فاجعه بسیار بیشتر از اینها باشد. وضعیت اسف بار زندان ها هشدار است که باید توجه ویژه ای به آن مبذول داشت و ضروری است که با اعتراض گسترده همه جانبه جلوی این قتل های خاموش را گرفت. این وضعیت تنها به زندان های تهران اختصاص ندارد، بلکه زندان های شهرستان ها را نیز شامل می شود.

زندان هایی از جمله: زندان کارون اهواز، زندان بهبهان، زندان قزل حصار و غیره. شایان ذکر است زندان هایی همچون کهریزک و قرچک ورامین نیز همچنان دایر است. در کهریزک زندانیان عادی مرد و در قرچک ورامین زندانیان عادی زن با شرایط به غایت سخت و غیرانسانی روبرو هستند که نیاز به پیگیری جدی دارد.

جمهوری اسلامی گاهی برای فشار بیشتر بر زندانیان سیاسی، آنها را به این زندان ها منتقل می کند که نمونه های آن را در سال ۸۸ شاهد بودیم که چه فجایعی در این زندان اتفاق افتاد. نمونه دیگر انتقال زندانیان سیاسی زن به قرچک ورامین بود که پس از اعتراض های گسترده، مجبور به بازگرداندن آنها به زندان اوین شد ولی نه در جای قبلی، بلکه در سوله ای غیراستاندارد.

مرگ های مشکوک در زندان های جمهوری اسلامی هر روز بیشتر و بیشتر می شود که می توان چند نمونه را نام برد. محمد مهدی زالیه نقشبندیان زندانی سیاسی کرد پس از کشیدن ۲۱ سال حبس، به دلیل سابقه آلودگی شیمیایی ریه هایش در جنگ ایران و عراق و محیط

ناسالم زندان، بیماری اش تشدید می شود که با بی توجهی مسئولان زندان برای معالجه وی، شب گذشته در زندان گوهردشت فوت کرد.

منصور رادپور، در اثر عدم رسیدگی پزشکی در زندان و بر اثر فشارهای عصبی و شکنجه روز اول خرداد ماه ۱۳۹۱ در زندان گوهردشت کرج درگذشت. محسن دگمه چی در اثر ابتلا به بیماری سرطان پانکراس و عدم رسیدگی پزشکی در ۸ فروردین ۱۳۹۰ در زندان گوهردشت درگذشت.

هدی صابر فعال ملی- مذهبی، که در اعتراض به کشته شدن هاله سحابی در اثر اعتصاب غذا و عدم رسیدگی به وی در ۲۲ خرداد سال ۱۳۹۰ در زندان اوین در گذشت. طبق شهادت نامه ای که ۶۴ زندانی سیاسی بند ۳۵۰ دادند، او با وضعیت وخیم به بهداری اوین منتقل شد و نه تنها به او رسیدگی نشد، بلکه مورد ضرب و شتم و توهین هم قرار گرفت و از اتاق بهداری به بیرون پرت شد.

امیدرضا میر صیافی وبلاگ نویس، در سال ۱۳۸۷ به مرگی مشکوک و بر اثر فشار روانی و عدم دریافت کمک های پزشکی در زندان اوین درگذشت.

امیر حشمت ساران دبیرکل جبهه اتحاد ملی که طی دو مرحله به ۱۶ سال حبس محکوم شده بود، در حمله ای توسط گارد ویژه زندان گوهردشت به شدت مجروح شد و در اثر بی توجهی مسئولان زندان و تزریق داروهای مشکوک پس از سه بار اغما به بیمارستان رجایی کرج منتقل شد و در ۱۶ اسفند سال ۱۳۷۸ در همان بیمارستان در گذشت.

شیوع انواع بیماری ها به پدیده ای بسیار رایج در زندان ها بدل شده است و جان بسیاری از زندانیان به دلیل انواع شکنجه ها و آزار و اذیت های دوران بازداشت و عدم دسترسی به امکانات پزشکی، با خطر جدی روبرو شده است. زندانیانی همچون فرخ واضحان، از زندانیان دستگیر شده پس از عاشورا که به ۱۵ سال حبس محکوم شد. وی از بیماری عفونی رنج می برد و یک بار او را با دست بند به سی سی یو منتقل کردند، ولی وضعیت اش همچنان خطرناک است و وثیقه سنگینی برای مرخصی او در نظر گرفته اند؛

مریم اکبری منفرد از خانواده جان باختگان دهه شصت است که سه برادر و یک خواهرش در همان سال ها اعدام شدند. او در ۱۰ دی ماه ۱۳۸۸ بازداشت و به اتهام همکاری با سازمان مجاهدین به ۱۵ سال حبس و تبعید به زندان رجایی شهر محکوم شد وی از به شدت بیمار بود که اخیرا تحت نظر نیروی انتظامی برای عمل جراحی کیسه صفرا به

بیمارستان منتقل و پس از عمل بلادرنگ و بدون در نظر گرفتن دوره درمان به زندان اوین بازگردانده شد؛

نرگس محمدی سخن گو و نایب رییس کانون مدافعان حقوق بشر در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۱ برای گذراندن دوره محکومیت شش ساله اش بازداشت شد. وی به شدت بیمار است و از فلج عضلانی رنج می برد و در آخرین ملاقات در زندان زنجان، چهار مامور زن وی را روی صندلی معمولی تا سالن ملاقات حمل کرده اند.

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری که ۲۲ خرداد سال ۱۳۸۹ بازداشت شده است. او از بیماری و عفونت گوش رنج می برد ولی در حمایت از رضا شهابی دست به اعتصاب غذا زد و علیرغم پیگیری او و خانواده اش، مسئولان زندان هیچ توجهی به وضعیت او نمی کنند؛

ریاض سبحانی شهروند بهایی که به دلیل بیماری قلبی یک بار آنژیو شد، ولی همچنان سلامتی اش در خطر است؛

حامد روحی نژاد، دانشجوی دانشگاه بهشتی که به اتهام همکاری با "انجمن پادشاهی ایران" به ده سال حبس تعزیری محکوم و علیرغم بیماری شدید ام-اس و به خطر افتادن سلامتی اش، به زندان زنجان تبعید شد.

ژیلا کرم زاده مکوندی یکی از مادران پارک لاله است که در ششم دی ماه ۱۳۹۰ برای گذراندن دو سال حبس بازداشت شد. وی دچار بیماری فشار خون است و اخیرا در زندان یک بار بیهوش شد که نیاز به رسیدگی خاص دارد.

اینها تنها نمونه هایی اندک از زندانیانی هستند که به دلیل فشارها و اذیت و آزارهای در زندان و فضای نامناسب بهداشتی و بی توجهی مسئولان، هر روز دچار مشکلات عدیده ای می شوند که در صورت عدم ایجاد فضایی مناسب برای آنان، جان شان در معرض خطر جدی قرار دارد.

نبود ابتدایی ترین امکانات اولیه برای زندانیان در زندان های کشور به ویژه زندانیان سیاسی، آنان را با مشکلات جدی روبرو کرده است. گویی دست های پشت پرده ای تصمیم به حذف زندانیان سیاسی و حتی زندانیان عادی گرفته است. از یک سو این روزها با موج گسترده اعدام ها مواجهیم و از سوی دیگر با مرگ های مشکوک در زندان های کشور روبرو هستیم.

بند زنان زندان اوین که در واقع سوله ای برای نگهداری زنان زندانیان سیاسی است، یکی دیگر از این زندان های غیر استاندارد کشور است. این زندان در زمستان بسیار سرد و در تابستان بسیار گرم است و هر آن احتمال تخریب اش وجود دارد، به طوری که چندی پیش به دنبال توفان در تهران، قسمتی از سقف آن فرو ریخت و زندانیان زن را با مشکل جدی مواجه ساخت. نبود آب گرم و سایر امکانات اولیه در این زندان نیز باعث شده که اغلب زندانیان سیاسی با بیماری های مختلف دست و پنجه نرم کنند.

گاهی زندانیان برای رسیدن به ابتدایی ترین خواسته های خود مجبور به اعتصاب غذای طولانی مدت می شوند که این اعتصاب ها می تواند جان آنها را به خطر اندازد. زندانیانی همچون حسین ملکلی رونقی در اعتراض به اعتراف گیری های تلویزیونی، چندین بار دست به اعتصاب غذا زد و با وجود ناراحتی کلیه و خون ریزی معده و علیرغم توصیه مسوولان بهداری زندان، نیروهای امنیتی به او اجازه انتقال به بیمارستان یا مرخصی برای درمان را نمی دهند؛

محمدصدیق کبودوند زندانی سیاسی کرد در تیرماه ۱۳۸۶ بازداشت و به ۱۱ سال حبس محکوم شد. او بیمار است ولی بارها به دلیل بیماری سرطان فرزندش درخواست مرخصی کرده بود که به دلیل عدم توجه مسئولان زندان، دست به اعتصاب غذا زده است. این بار نیز اعلام کرد تا زمانی که برای ملاقات فرزند بیمارارش به او مرخصی داده نشود، اعتصاب اش را نخواهد شکست، آرش صادقی فعال دانشجویی که پس از اعتراض های سال ۸۸ مدت سی ماه را در زندان و عمدتا در سلول های انفرادی گذرانده است، در حمایت از حسین رونقی دست به اعتصاب غذا زده است.

رضا شهابی، راننده اتوبوس و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، زندانی دیگری است که سلامتی اش در معرض خطر قرار دارد. او در هنگام بازداشت به شدت مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گرفت و از ناحیه گردن و مهره ها آسیب دیده و از همان زمان، تعادل اش را از دست داده است. او بارها در اعتراض به عدم رسیدگی به وضعیت خود، اقدام به اعتصاب غذا کرد و نزدیک بود به طور کامل سلامتی اش را از دست دهد که بالاخره پس از اعتراض های گسترده داخلی و بین المللی، برای معالجه به بیمارستان منتقل شد و تحت عمل جراحی قرار گرفت.

بسیاری دیگر از زندانیان سیاسی وضعیتی مشابه دارند و اگر این روند ادامه یابد، هر روز شاهد قتل های خاموش دیگری در زندان های

جمهوری اسلامی خواهیم بود.

ما مادران پارک لاله ضمن تاکید بر سه خواست همیشگی خود؛ از سازمان ها و نهادهای حقوق بشری و تمامی مدافعان حقوق بشر و به ویژه از خانواده های زندانیان سیاسی می خواهیم تا دیر نشده از فاجعه انسانی دیگری در زندان های کشور جلوگیری کنند. ما باید از همه ابزارهای خود استفاده کنیم تا جمهوری اسلامی را ملزم به رعایت حقوق زندانیان کنیم. زندانیانی که بر اساس کنوانسیون های بین المللی حق زندگی دارند و کشورهای امضا کننده این کنوانسیون ها ملزم به رعایت تمامی مفاد کامل آن هستند.

مادران پارک لاله

۱۷، خرداد، ۱۳۹۱

فراخوان شیرین عبادی برنده ایرانی جایزه صلح نوبل، و سه سازمان مدافع حقوق بشر

✖ برای نجات جان زندانیان بیمار در ایران

در ایران جان زندانیان عقیدتی در خطر است

در زندان های جمهوری اسلامی ایران زندگی بسیاری از زندانیان عقیدتی در خطر است.

شیرین عبادی برنده ایرانی جایزه صلح نوبل، فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران و گزارشگران بدون مرز رفتار غیر انسانی جمهوری اسلامی با زندانیان عقیدتی و از میان با مدافعان حقوق بشر، روزنامه نگاران و شهروند وب نگاران را محکوم می کنند.

«وضعیت حقوق بشر در ایران هر روز بدتر می‌شود، ما شاهد مرگ مشکوک زندانیان و بدرفتاری با آنها در زندان‌های سراسر ایران و به ویژه در زندان‌های اوین و رجایی شهر هستیم. خطر مرگ بسیاری از زندانیان عقیدتی را تهدید می‌کند. برای نمونه نرگس محمدی، محمد صدیق کبودوند و حسین رونقی ملکی به شدت بیمار هستند. ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها هستیم. ما مقامات مسوول ایران را فرا می‌خوانیم از بد رفتاری با زندانیان و از به خطر انداختن جان این انسان‌ها خودداری کنند. ما مسوولان جمهوری اسلامی ایران را مسئول هرگونه پیشامد بد برای آنها می‌دانیم.»

نرگس محمدی، روزنامه‌نگار و سخن‌گوی کانون مدافعان حقوق بشر در تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۳۹۱، در زنجان بازداشت و به زندان اوین انتقال داده شد. او پیش از این نیز بارها احضار و بازداشت شده بود، آخرین بار از ۲۰ خرداد تا ۱۱ تیرماه ۱۳۸۹ را در زندان به‌سر برده بود. که در مدت بازداشت بر اثر فشارهای بازجویی دچار فلج عضلانی شد. در شهریور ماه همان سال از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران برای «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور، عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر و فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران»، به ۱۱ سال زندان محکوم شد که این حکم در اسفندماه ۱۳۹۰ به شش سال کاهش یافت. در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ماه، خانواده نرگس محمدی مطلع شد که وی را به زندان شهر زنجان منتقل کرده‌اند.

تقی رحمانی، که خود نیز از قربانیان آزار و اذیت قضایی و بازداشت‌های خودسرانه جمهوری اسلامی است و در اواخر سال گذشته مجبور به ترک کشور شده است، به سازمان‌های مدافع حقوق بشر در باره وضعیت وضعیت سلامت همسرش نرگس محمدی گفت: «نرگس را به شکل غیر قانونی و با وجود مخالفتش به زندان زنجان برده‌اند. وی با زندانیان جرائم عمومی هم‌بند است. در زندان‌های ایران به شکل عمومی امکانات پزشکی کم است، اما در شهرستان‌ها این امکان محدودتر است. هر روز که بگذرد حدت بیماری نرگس بیشتر و درمان وی دشوارتر می‌شود.»

محمد صدیق کبودوند، سردبیر هفته‌نامه توقیف شده‌ی پیام مردم کردستان، از دو هفته پیش در اعتصاب غذا به‌سر می‌برد. این روزنامه‌نگار که از تیرماه ۱۳۸۶ زندانی و یک سال بعد از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران برای تاسیس سازمانی در دفاع از حقوق بشر در کردستان به یازده سال زندان محکوم شده است، از بیماری‌های متعددی رنج می‌برد، و در اعتراض به تصمیم مقامات قضایی در ممانعت

از دیدار با فرزندش که بیمار و در بیمارستانی در تهران بستری است، اعتصاب غذا کرده است. این روزنامه‌نگار یکی از قربانیان سخت‌گیری‌های بیرحمانه‌ی مسوولان قضایی است. دستگاه قضایی درخواست‌های مکرر وی برای معالجه و مرخصی را نظام‌مند رد می‌کند.

حسین رونقی ملکی، وب‌نگار از تاریخ ۶ خرداد ۱۳۹۱ در اعتراض به وضعیت بازداشت خود دست به اعتصاب غذا زده است. او با وجود دو عمل جراحی کلیه اما هنوز در وضعیت خطرناکی بسر می‌برد. این مدافع حقوق بشر در تاریخ ۲۲ آذر ماه از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بازداشت شد، تا هفته‌ها پس از زندانی شدنش خانواده از محل بازداشت و نگاهداری وی بی‌خبر بودند. این وب‌نگار به اتهام «استفاده و تولید فیلترشکن، میزبانی از سایت‌های مدافع حقوق بشر» به پانزده سال زندان محکوم شده است. در تاریخ ۱۳ خرداد ماه به دستور آیت‌الله صادق لاریجانی رئیس دستگاه قضایی این وب‌نگار به بیمارستان انتقال داده شد، اما نزدیکان وی بر این باورند که تضمینی برای ادامه درمان وی وجود ندارد.

شیرین عبادی برنده‌ی ایرانی جایزه صلح نوبل، فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر، جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران و گزارشگران بدون مرز در این باره اعلام می‌کنند: «جمهوری اسلامی ایران از وضعیت پرتنش منطقه و مذاکرات پیرامون برنامه‌های اتمی خود، بهره می‌برد تا توجه افکار عمومی جهانی را از وخامت وضعیت حقوق بشر در ایران دور کند. مقامات ایران همچنان از ورود احمد شهید، گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران، به این کشور ممانعت می‌کنند. برخلاف قوانین ملی و بین‌المللی هیچ نظارتی بر زندان‌های ایران پیرامون حمایت از حقوق بنیادین زندانیان صورت نمی‌گیرد. جامعه جهانی باید مقامات جمهوری اسلامی ایران را به همکاری بدون قید و شرط با سازمان ملل وادار کند و امکان بازدید گزارشگر ویژه را از ایران فراهم آورد.»

بیانیه مطبوعاتی و گزارش سال ۲۰۱۲ عفو بین الملل

عفو بین الملل

گزارش ۲۰۱۲ عفو بین الملل موارد مشخص محدودیت بر آزادی بیان را در دستکم ۹۳ کشور و نیز موارد افرادی را که مورد شکنجه یا بدرفتاری‌های دیگر - در بسیاری موارد به خاطر شرکت در تظاهرات - قرار گرفته‌اند در دستکم ۱۰۱ کشور مستند می‌سازد.

ممنوعیت مطلق انتشار تا ساعت ۲۳:۰۱ به وقت گرینویچ روز چهارشنبه ۲۳ ماه می ۲۰۱۲ / ۰۰:۰۱ پنجشنبه ۲۴ ماه می ۲۰۱۲ وقت تابستانی انگلستان

گزارش ۲۰۱۲: استبداد و بی‌عدالتی دیگر نمی‌توانند به روش همیشگی ادامه یابند

عهدنامه قاطعی در زمینه تجارت اسلحه ضروریست اما ضعف شورای امنیت سازمان ملل در این زمینه رو به افزایش است

عفو بین الملل با فراخوانی برای تصویب عهدنامه قاطعی در زمینه تجارت اسلحه در سال جاری، همزمان با انتشار پنجاهمین گزارش جهانی حقوق بشر خود، گفت شجاعت معترضان در ۱۲ ماه گذشته با شکست رهبری همراه بود که نشان دهنده خستگی، ناهماهنگی و ناتوانی روزافزون شورای امنیت سازمان ملل است.

سَلیل شِتی، دبیرکل عفو بین الملل گفت: «ناتوانی رهبری در سال گذشته بُعد جهانی به خود گرفت و سیاستمداران با خشونت یا بی‌اعتنایی به اعتراضها واکنش نشان دادند. دولت‌ها باید رهبری قانونی خود را به نمایش بگذارند و با حمایت از ناتوانان و محدودکردن قدرتمندان بی‌عدالتی را نفی کنند. زمان ارجحیت دادن به مردم در مقابل شرکت‌ها و حقوق در مقابل سود رسیده است.»

حمایت پرسروصدا و پرشور بسیاری از قدرتهای جهانی و منطقه‌ای از جنبشهای اعتراضی در ماه‌های آغازین سال ۲۰۱۱ شکل عملی به خود نگرفته است. با حضور مردم مصر در صندوق‌های رأی برای انتخاب یک رئیس‌جمهور جدید، بیش از پیش به نظر می‌رسد که فرصت‌های ایجاد شده

به وسیله معترضان، به هدر می‌رود.

سَلیل شِتی گفت: «در سال گذشته بارها آشکار شد که با تلاش قدرت‌های جهانی برای کسب نفوذ در خاورمیانه و آفریقای شمالی، اتحادهای فرصت‌طلبانه و منافع مالی حقوق بشر را در شیپور کرده‌اند. هر زمان که زبان حقوق بشری به نفع برنامه‌های سیاسی و شرکت‌ها باشد آن را به کار می‌گیرند و هر زمان که نامناسب باشد یا بر سر راه کسب سود قرار گیرد آن را کنار می‌گذارند.»

کوتاهی از مداخله در سریلانکا و بی عملی نسبت به جنایت‌های ضد بشریت در سوریه - که یکی از مشتریان اصلی سلاح‌های روسیه است - شورای امنیت سازمان ملل را به عنوان پاسدار صلح جهانی بی‌فایده کرده است. مراکز قدرت نوپدیداری مثل هند، برزیل و آفریقای جنوبی هم با سکوت خود در این وضع شریک بوده‌اند.

سَلیل شِتی گفت: «مدارک مربوط به وضعیت سوریه برای طرح در دادگاه بین‌المللی کیفری به منظور تحقیق درباره جنایت علیه بشریت کاملاً روشن و محکم است. عزم اعضای شورای امنیت سازمان ملل برای حمایت از سوریه به هر قیمت، پاسخ‌گویی برای این جنایت‌ها را از دسترس دور می‌سازد و خیانت در حق مردم سوریه است.»

گزارش ۲۰۱۲ عفو بین‌الملل موارد مشخص محدودیت بر آزادی بیان را در دست‌کم ۹۳ کشور و نیز موارد افرادی را که مورد شکنجه یا بدرفتاری‌های دیگر - در بسیاری موارد به خاطر شرکت در تظاهرات - قرار گرفته‌اند در دست‌کم ۱۰۱ کشور مستند می‌سازد.

«برکنار کردن تکتک رهبران - هر قدر هم مستبد باشند - در درازمدت برای ایجاد تغییر کافی نیست. دولت‌ها باید هم در کشور خود و هم در خارج از آزادی بیان دفاع کنند، مسئولیت‌های بین‌المللی را جدی بگیرند و در سیستم‌ها و ساختارهایی سرمایه‌گذاری کنند که عدالت، آزادی و برابری در مقابل قانون را تضمین نمایند.»

اجلاس سازمان ملل در ماه جولای برای توافق درباره عهدنامه تجارت اسلحه محکی برای سیاستمداران خواهد بود تا حقوق بشر را بالاتر از منافع شخصی و سود قرار دهند. بدون یک عهدنامه قاطع، پاسداری شورای امنیت سازمان ملل از صلح و امنیت جهانی محکوم به شکست است؛ اعضای دایمی آن از اختیار کامل وتوی هر قطعنامه‌ای برخوردارند با وجود اینکه خود بزرگ‌ترین فروشندگان اسلحه در جهان هستند.

سَلیل شِتی گفت: «معارضان نشان دادند که تغییر امکان‌پذیر است. آن‌ها دولت‌ها را برای حمایت از عدالت، برابری و عزت به چالش طلبیده‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که رهبرانی که این انتظارات را برآورده نسازند دیگر مورد پذیرش نخواهند بود. سال ۲۰۱۲ پس از یک آغاز شوم باید به سال عمل تبدیل شود.»

دیگر تحولات جهانی که در گزارش ۲۰۱۲ عفو بین‌الملل مورد تأکید قرار گرفته‌اند :

- دولت‌های به شدت سرکوب‌گر از جمله چین تمام نیروی دستگاه امنیتی خود را برای خفه کردن اعتراضات به کار گرفتند. در وضعیت هولناک حقوق بشر در کره شمالی هیچ بهبودی حاصل نشد.

- در کشورهای جنوب صحرای آفریقا، خاورمیانه و آفریقای شمالی شورش‌ها به شدت بر مردم تأثیر گذاشت، اما خشونت شدیدی در کشورهای مختلف از آنگولا تا سنگال و اوگاندا علیه معارضان به کار گرفته شد.

- اعتراض‌های اجتماعی در کشورهای قاره آمریکا اوج گرفت و اغلب به درگیری مردم با منافع اقتصادی و سیاسی نیرومند انجامید. در کشورهای مختلف از جمله برزیل، کلمبیا و مکزیک، فعالان مورد تهدید قرار گرفتند و به قتل رسیدند.

- در روسیه، فعالیت شهروندی رشد کرد و این کشور شاهد بزرگ‌ترین تظاهرات پس از فروپاشی اتحاد شوروی بود، اما مخالفان مورد تعرض قرار گرفتند و به طور منظم تضعیف شدند.

- در کشورهای مثل ترکمنستان و ازبکستان هیچ نشانه‌ای از تغییر قابل توجه مشاهده نشد. آذربایجان، میزبان امسال مسابقه آوازخوانی یورو ویژن، آزادی بیان را سرکوب کرد و ۱۶ زندانی عقیدتی به خاطر ابراز نظر خود در سال ۲۰۱۱ هنوز در زندان به‌سرمی‌بردند.

- رأی برای استقلال در سودان جنوبی با خشونت دنبال شد اما شورای امنیت سازمان ملل - و به همراه آن شورای امنیت و صلح اتحادیه آفریقا - باز هم از محکوم کردن تعدی‌های نیروهای مسلح سودان از جمله بمباران‌های بی‌رویه یا جلوگیری دولت سودان از دسترسی سازمان‌های بشردوستانه به ایالت‌های آسیب دیده کوتاهی کرد.

- در حالی که جهان متوجه شورش‌ها بود، در خاورمیانه و آفریقای

شمالی مشکلات دیرینه دیگری رو به وخامت بود. حکومت ایران منزوی تر شد، هیچ مخالفتی را تحمل نکرد و در اشتیاق به اجرای مجازات اعدام تنها از چین عقب ماند؛ عربستان سعودی معترضان را سرکوب کرد. اسرائیل به محاصره غزه ادامه داد، بحران بشردوستانه را طولانی‌تر کرد و به گسترش شهرک‌های غیرقانونی در ساحل غربی ادامه داد. سازمان‌های سیاسی فلسطینی الفتح و حماس به حمله به هواداران یکدیگر ادامه دادند؛ حمله‌های تلافی جویانه نیروهای اسرائیلی و گروه‌های مسلح فلسطینی به یکدیگر در غزه افزایش یافت.

• دولت میانمار با آزادی بیش از ۳۰۰ زندانی سیاسی و دادن اجازه به آنگ سان سو چی برای شرکت در انتخابات تصمیمی اساسی گرفت. اما اوج‌گیری نقض حقوق بشر ناشی از درگیری‌ها در مناطق محل سکونت اقلیت‌های قومی و تداوم آزار و اذیت و بازداشت فعالان حاکی از محدودیت اصلاحات بود.

• روندهای جاری از این جمله بودند: در کشورهای قاره امریکا، افزایش تعدی علیه جوامع بومی به همراه افزایش تلاش برای بهره‌برداری از منابع؛ در آفریقا افزایش تبعیض به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی افراد؛ افزایش گفتار ضد خارجی بعضی از سیاستمداران اروپایی؛ و افزایش آسیب‌پذیری در مقابل حملات تروریستی گروه‌های مسلح اسلامی در آفریقا.

• پیشرفت‌ها از این جمله بود: روند جهانی به سوی الغای مجازات اعدام؛ کاهش معافیت از مجازات برای تعدی‌های حقوق بشری گذشته در کشورهای قاره امریکا؛ و گام‌های اساسی به سوی عدالت در اروپا با دستگیری ژنرال راتکو ملادیچ و گوران هادزیچ، صرب – کرواسیایی، به منظور محاکمه به خاطر جنایت‌هایی که در دهه ۱۹۹۰ در یوگسلاوی سابق مرتکب شده بودند.

پایان/

یادداشت‌هایی برای سردبیران:

۱ گزارش عفو بین الملل ۲۰۱۲: وضعیت حقوق بشر در سطح جهان، دوره ژانویه تا دسامبر ۲۰۱۱ را در بر می‌گیرد.

۲ اطلاعات و ارقام، مطالب شنیداری – دیداری، جزئیات رویدادهای رسانه ای و دیگر اطلاعات را می‌توانید از طریق پست الکترونیکی press@amnesty.org دریافت کنید.

۳ برای دریافت اطلاعات بیشتر یا انجام مصاحبه با یکی از سخنگویان عفو بین الملل و افرادی که در خط اول جبهه مبارزه به خاطر حقوق بشر بوده‌اند، با دفتر مطبوعاتی تماس بگیرید: ۵۵۶۶ ۷۴۱۳ ۲۰ (۰) +۴۴ یا press@amnesty.org

گزارش 2012 عفو بین الملل درباره ی ایران

—

جمهوری اسلامی ایران

رییس کشور: رهبر جمهوری اسلامی ایران: آیت الله سید علی خامنه‌ای

رییس دولت: رییس جمهور: محمود احمدی‌نژاد

مجازات اعدام: برقرار است

جمعیت: 74.8 میلیون

امید به زندگی: 73 سال

میزان مرگ و میر زیر 5 سال: 30.9 در 1000

سواد بزرگسالان: 85 درصد

—

آزادی بیان، آزادی تشکل و گردهمایی به شدت محدود شد. مخالفان سیاسی، فعالان حقوق زنان و اقلیت‌ها و دیگر مدافعان حقوق بشر خودسرانه دستگیر شدند، در انزوای کامل بازداشت شدند، پس از محاکمه‌های ناعادلانه زندانی و خروجشان از کشور ممنوع شد. شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر رایج بود و با معافیت از مجازات انجام می‌شد. زنان و اقلیت‌های دینی و قومی در عمل و قانون مورد تبعیض قرار داشتند. حداقل 360 نفر اعدام شدند؛ تعداد واقعی گویا بسیار بیشتر بود. حداقل سه مجرم نوجوان در میان این عده بودند. شلاق و قطع عضو با حکم قضایی اجرا شد.

--

پیشینه

نیروهای امنیتی، از جمله نیروی شبه نظامی بسیج، به عملیات خود با

معافیت تقریباً کامل از مجازات ادامه دادند و تقریباً هیچ گونه پاسخ گویی برای قتل های غیرقانونی و دیگر موارد نقض جدی حقوق که در زمان اعتراض های عظیم و اغلب مسالمت آمیز پس از انتخابات ریاست جمهوری 1388 و سال های پیش رخ داد در کار نبود.

در ماه مارچ، شورای حقوق بشر سازمان ملل گزارشگر ویژه ای برای تحقیق در باره حقوق بشر در ایران منصوب کرد. دولت از دادن اجازه به او برای دیدار از کشور سر باز زد. در اکتبر، کمیته حقوق بشر سازمان ملل کارنامه ایران در زمینه حقوق مدنی و سیاسی را مورد بررسی قرار داد. در ماه دسامبر، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ای را در محکومیت نقض حقوق بشر در ایران به تصویب رسانید.

نیروهای ایران به پایگاه های پژاک (حزب حیات آزاد ایران) که گروهی مسلح و طرفدار خودمختاری برای کردهای ایران است، در کردستان عراق حمله کردند؛ حداقل دو غیرنظامی کشته شدند و صدها خانواده در کردستان عراق آواره شدند. مبارزان پژاک گویا شامل افرادی هستند که به عنوان کودک سربازگیری شده اند.

زمانی که در ماه نوامبر سازمان بین المللی انرژی هسته ای گزارش داد که ایران ممکن است مخفیانه مشغول ساختن سلاح هسته ای باشد، تنش های بین المللی بر سر برنامه هسته ای ایران اوج گرفت. دولت، اسرائیل و ایالات متحده آمریکا را متهم کرد که در قتل چند دانشمند ایرانی احتمالاً فعال در برنامه هسته ای ایران نقش دارند، از جمله در قتل داریوش رضایی نژاد متخصص فیزیک که در ماه جولای به وسیله فرد مسلح ناشناسی در تهران کشته شد. دولت تمام اتهام های دولتمردان ایالات متحده آمریکا را درباره شرکت مسئولان ارشد سپاه پاسداران در طرح قتل سفیر عربستان سعودی در آمریکا رد کرد.

آزادی بیان، تشکل و گردهمایی

دولتمردان محدودیت های شدید بر آزادی بیان، تشکل و گردهمایی را که پیش از اعتراض های گسترده 1388، در طی آنها و پس از آنها برقرار بود حفظ کردند و کوشیدند محدودیت های بیشتری اعمال کنند. مجلس لوایحی را مورد بحث قرار داد که آزادی بیان، تشکل و گردهمایی از جمله فعالیت های سازمان های غیردولتی و احزاب سیاسی را محدودتر می سازد.

* محمد سیف زاده که در ماه آپریل (فروردین) برای گذراندن حکم زندان دستگیر شد و عبدالفتاح سلطانی که در ماه سپتامبر (شهریور)

دستگیر شد، وکیل دادگستری و اعضای موسس کانون مدافعان حقوق بشر هستند که دفتر آن را دولت به زور در سال 2008 (1387) تعطیل کرد، و هر دو در پایان سال 2011 هنوز در زندان به سر می بردند.

* در ماه دسامبر، ژیل کرمزاده مکوندی، عضو گروه مادران پارک لاله که علیه قتل های غیرقانونی و دیگر موارد نقض جدی حقوق بشر مبارزه می کنند، گذراندن حکم دو سال زندان خود به اتهام «تشکیل یک سازمان غیرقانونی» و «اقدام علیه امنیت ملی» را شروع کرد. عضو دیگر این گروه، لیل سیف الهی با محکومیت مشابهی روبرو است.

دولتمردان از صدور اجازه برای برگزاری تظاهراتی در 25 بهمن در همبستگی با قیام های تونس و مصر سر باز زدند و به انجام دستگیری های پیشگیرانه دست زدند. اما تظاهرات در تهران، اصفهان، کرمانشاه، شیراز و نقاط دیگر انجام شد و نیروهای امنیتی آنها را با خشونت پراکندند و ده ها نفر را دستگیر کردند و حداقل دو نفر را کشتند. هر تظاهرات بعدی را نیز با خشونت به هم زدند.

* زندانی عقیدتی و فعال سیاسی هاله سحابی در تاریخ 11 خرداد در مرخصی از زندان برای شرکت در تشییع جنازه پدرش عزت الله سحابی، که یکی از مخالفان برجسته بود، در گذشت. بنا به گزارش ها نیروهای امنیتی پیش از افتادن او ضربه ای به او وارد کرده بودند.

نیروهای امنیتی تظاهرات محلی را سرکوب کردند و بنا به گزارش ها از خشونت شدید استفاده و ده ها نفر و شاید صدها نفر از معترضان را دستگیر کردند. در خوزستان، ده ها نفر از اقلیت عرب اهوازی گویا پیش و پس از تظاهرات ماه آپریل (فروردین) در یادبود اعتراض های سال 2005 (1384) کشته شدند. ده ها نفر از معترضان محیط زیستی که از دولت خواهان جلوگیری از نابودی دریاچه ارومیه بودند در ماه های آپریل، آگوست و سپتامبر (فروردین، مرداد و شهریور) در استان آذربایجان شرقی دستگیر شدند.

دولت کنترل شدیدی را بر رسانه ها حفظ و روزنامه ها را توقیف کرد، وبگاه ها را فیلتر نمود و روی کانال های تلویزیون ماهواره ای خارجی پارازیت فرستاد. ده ها نفر از روزنامه نگاران، فعالان سیاسی و خویشاوندان آنها، فیلم سازان، مدافعان حقوق بشر، دانشجویان و دانشگاهیان مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، از سفر به خارج منع شدند، خودسرانه دستگیر و شکنجه شدند و به خاطر ابراز نظریات مخالف با دولت به زندان افتادند. بعضی از آنها که در سال های پیش

دستگیر شده بودند، پس از محاکمه ناعادلانه اعدام شدند.

* پنج کارگردان مستند ساز و یک تهیه/پخش کننده در سپتامبر (شهریور) پس از این که فیلمشان به بی بی سی فروخته شد دستگیر شدند. همه آنها تا اواسط دسامبر (اواخر آذر) آزاد شده بودند.

* فعالان دانشجویی مجید توکلی، بهاره هدایت و مهدیه گلو که محکومیت های زندان خود را به خاطر فعالیت های مسالمت آمیز دانشجویی و حقوق بشری می گذرانند به خاطر انتشار یک بیانیه مشترک از زندان به مناسبت روز دانشجو در سال 2010 (1389) به شش ماه زندان بیشتر محکوم شدند.

* بنا به گزارش ها فعال حقوق زن و روزنامه نگار فرانک فرید پس از دستگیری در تاریخ 12 شهریور در تبریز در ارتباط با اعتراض های دریاچه ارومیه به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت. او در اکتبر (مهر ماه) با وثیقه آزاد شد.

دستگیری ها و بازداشت های خودسرانه

مسئولان امنیتی به دستگیری و بازداشت خودسرانه مخالفان و منتقدان دولت ادامه دادند و اغلب آنها را بدون دسترسی به خانواده ها و وکلایشان یا مراقبت پزشکی به مدت طولانی در انزوای کامل نگه داشتند. بسیاری از آنها مورد شکنجه و بدرفتاری های دیگر قرار گرفتند. ده ها نفر پس از محاکمه ناعادلانه به حکم های طولانی زندان محکوم شدند و به صدها نفر زندانی محکوم پس از محاکمه ناعادلانه در سال های پیش پیوستند.

* در ماه فوریه (بهمن) رهبران مخالف مهدی کروبلی و میرحسین موسوی و همسرانشان پس از دعوت به تظاهرات 25 بهمن بدون حکم به حبس خانگی افتادند؛ در پایان سال، آنها به استثنای فاطمه کروبلی، همسر مهدی کروبلی، هنوز در حبس خانگی به سر می بردند.

* محمد توسلی که در آبان ماه دستگیر شد، یکی از حداقل پنج عضو گروه غیرقانونی نهضت آزادی بود که در سال 2011 بازداشت شدند. او به خاطر نامه 143 فعالان سیاسی به رئیس جمهور پیشین خاتمی در مهر ماه بازداشت شد. در این نامه هشدار داده شده بود که انتخابات آتی مجلس نه آزاد خواهد بود و نه عادلانه. پنج نفر دیگر نیز از خروج از ایران منع شدند.

* شین بائر و جاش فاتال، دو امریکایی که گویا پس از گم کردن مسیر خود در حین کوه پیمایی در عراق و ورود به ایران بیش از دو سال در بازداشت و متهم به جاسوسی بودند، پس از پرداخت وثیقه سنگین در ماه سپتامبر (شهریور) آزاد شدند و اجازه یافتند ایران را ترک کنند.

مدافعان حقوق بشر

سرکوب مدافعان حقوق بشر از جمله وکلای دادگستری افزایش یافت. بسیاری از آنها دستگیر و زندانی شدند یا مورد آزار قرار گرفتند. عده ای دیگر پس از محاکمه ناعادلانه در سال های پیش در زندان ماندند؛ این عده شامل فعالان حقوق زن و حقوق اقلیت ها، فعالان سندیکایی، وکلای دادگستری و دانشجویان بودند. بسیاری از آنها زندانیان عقیدتی بودند. تشکیل اتحادیه های کارگری مستقل باز هم ممنوع بود و چندین عضو اتحادیه در زندان ماندند.

* حکم 11 سال زندان که پس از محکومیت نسرين ستوده، وکیل حقوق بشری، به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» به خاطر فعالیت قانونی وکالت او در ماه آپریل (فروردین) صادر شده بود، در ماه سپتامبر (شهریور) در تجدید نظر به شش سال کاهش یافت. محرومیت 20 سال از اشتغال به وکالت و خروج از ایران نیز نصف شد.

* رضا شهابی، صندوقدار سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بدون اتمام محاکمه باز هم در زندان اوین تهران ماند. او که در جون 2010 (خرداد 1389) دستگیر شده، یک زندانی عقیدتی است، همانند منصور اسانلو رهبر همان سندیکا که به صورت مشروط در ماه جون (خرداد) برای مداوای پزشکی آزاد شد.

* فعال حقوق بشر کوهیار گودرزی پس از دستگیری در ماه جولای (تیر) چند هفته ناپدید شد تا این که معلوم شد در زندان اوین و در حبس انفرادی است و در پایان سال 2011 نیز در بازداشت بود. بهنام گنجی خیبری که به همراه او دستگیر و ظاهراً شکنجه شده بود، پس از آزادی خودکشی کرد.

* فعال برجسته حقوق بشر عمادالدین باقی پس از گذراندن دو محکومیت زندان همزمان یک ساله به اتهام «تبلیغ علیه نظام» در ارتباط با فعالیت های حقوق بشری و رسانه ای در ماه جون (خرداد) آزاد شد. او به مدت پنج سال از فعالیت های سیاسی یا رسانه ای محروم است.

محاکمه های ناعادلانه

محاکمه ناعادلانه مظنونان سیاسی اغلب با اتهام های مبهمی که جرم کیفری مشخصی به شمار نمی رفت ادامه یافت. اغلب این افراد بعضا در غیاب وکیل مدافع و بر اساس «اقرار» یا اطلاعات دیگری که گویا زیر شکنجه در دوره بازداشت پیش از محاکمه کسب می شود، محکوم شدند. دادگاه ها این «اقرارها» را بدون تحقیق در باره چگونگی کسب آنها به عنوان مدرک می پذیرفتند.

* امید کوکبی در بازگشت از تحصیل در ایالات متحده امریکا در ماه فوریه (بهمن) در فرودگاه تهران دستگیر شد. او که به «جاسوسی» و جرایم دیگر متهم شده بود در ماه اکتبر (مهر) محاکمه شد. او گفت که در بازداشت وادار به «اعتراف» شده است. وکیل او گفت که اجازه تماس با او نداشته است.

* زهرا بهرامی، تبعه هلندی - ایرانی، بدون اخطار در 9 بهمن، تنها 27 روز پس از محکومیت به اعدام به اتهام قاچاق مواد مخدر اعدام شد. او در تظاهراتی در دسامبر 2009 (آذر 1388) دستگیر شده بود و ابتدا ظاهرا به خاطر تماس با یک گروه غیرقانونی مخالف به محاربه با خدا متهم شد، اما به این اتهام محاکمه نشد. وکیل او گفت حق اعتراض به این حکم اعدام وجود نداشت.

شکنجه و بدرفتاری های دیگر

شکنجه و بدرفتاری های دیگر در بازداشت پیش از محاکمه هنوز رایج بود و با معافیت از مجازات انجام می شد. ضربه های شلاق را به کف پا و بدن بازداشت شدگان، گاهی در حالی که وارونه آویزان بودند، می نوازند؛ آنها را با سیگار و اشیا داغ فلزی می سوزانند؛ اعدام ساختگی اجرا می کنند؛ به آنها از جمله با استفاده از زندانیان دیگر تجاوز می کنند؛ آنها را تهدید به تجاوز می کنند؛ در فضاهای پرازدحام بازداشت می کنند؛ و نور، غذا، آب و رسیدگی پزشکی کافی را از آنها دریغ می کنند. حداقل 12 نفر گویا در شرایط مشکوکی در زندان درگذشتند، از جمله در شرایطی که رسیدگی پزشکی عرضه نشده یا با تاخیر عرضه شده بود. مرگ آنها مستقلا مورد تحقیق قرار نگرفت. در ماه مارچ (اسفند) حداقل 10 زندانی دیگر در طی ناآرامی ها در زندان قزل حصار در کرج در نزدیکی تهران فوت کردند. هیچ اطلاعی از تحقیق دولتمردان در باره ادعاهای شکنجه و بدرفتاری های دیگر در دست نیست. کسانی که از شکنجه شکایت کردند با اقدام های تلافی

جویانه روبرو شدند. شرایط سخت زندان در اثر ازدحام شدید بدتر شد.

* حداقل چهار عرب اهوازی - رضا مقامسی، عبدالکریم فهد عبیات، احمد رئیس‌ان سلامی و اجباره تمیمی - در بازداشت در استان خوزستان گویا در فاصله ماه‌های مارچ و می (فروردین و اردیبهشت) احتمالاً در اثر شکنجه درگذشتند.

* روزنامه نگار عیسی سحرخیز، زهرا جباری، مدافع حقوق اقلیت آذربایجانی سعید متین‌پور و روحانی مخالف حسین کاظمینی بروجردی از جمله زندانیان سیاسی زیادی بودند که از رسیدگی پزشکی کافی محروم ماندند. فعال سیاسی هدی صابر در ماه جون (خرداد) پس از اعتصاب غذا در اعتراض به مرگ‌هاله‌سحابی در زندان درگذشت. زندانیان دیگر گفتند که مسئولان زندان او را مورد ضرب و شتم قرار داده و از رسیدگی پزشکی کافی محروم کرده‌اند.

مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز

حکم‌های شلاق و قطع عضو باز هم صادر و اجرا شد. حکم کور کردن نیز صادر شد.

* سمیه توحیدلو، فعال سیاسی، و پیمان عارف، فعال دانشجویی، پس از محکومیت جداگانه به خاطر «توهین» به ریاست جمهوری احمدی‌نژاد در ماه سپتامبر (شهریور)، به ترتیب 50 و 74 ضربه شلاق خوردند.

* چهار انگشت دست راست چهار مرد که به خاطر دزدی محکوم شده بودند گویا در تاریخ 16 مهر قطع شد.

* مجید موحدی که در سال 2004 (1383) آمنه بهرامی را با اسید کور کرده و به کور شدن به وسیله اسید محکوم شده بود، در تاریخ 9 مرداد کمی پیش از اجرای مجازات در بیمارستان زمانی که قربانی دریافت دیه را پذیرفت نجات یافت.

تبعیض علیه زنان

زنان در عمل و قانون و از جمله بر اساس مقررات الزامی پوشش مورد تبعیض قرار می‌گیرند. فعالان حقوق زن، از جمله آنهایی که در کمپین یک میلیون امضا خواهان برابری قانونی برای زنان هستند، مورد آزار و تعقیب قرار گرفتند. پیش‌نویس لایحه حمایت از خانواده، که قانون تبعیض‌آمیز علیه زنان را تشدید می‌کند، در مجلس در انتظار تصویب نهایی است. بعضی از دانشگاه‌ها جدا سازی دانشجویان بر اساس جنسیت

را آغاز کرده اند.

* فاطمه مسجدی و مریم بیدگلی، فعالان کمپین یک میلیون امضا، هر یک شش ماه در زندان گذراندند و اولین اعضای کمپین بودند که به خاطر گردآوری امضا به زندان رفتند.

حقوق همجنس گرایان زن و مرد، دوجنسی ها و دگرجنس گونه ها

کسانی که به فعالیت های همجنس گرایانه متهم می شدند با آزار و تعقیب و مجازات های قضایی شلاق و اعدام روبرو بودند.

* در تاریخ 13 شهریور، سه نفر که تنها حروف اول اسمشان عنوان شد، پس از محکومیت به خاطر «لواط» در زندان کارون اهواز در استان خوزستان اعدام شدند.

* سیامک قادری، روزنامه نگار پیشین خبرگزاری دولتی که از مرداد 1389 در زندان است پس از مجرمیت به خاطر «نشر اکاذیب»، ارتکاب «اعمال غیرشرعی» و اتهام های دیگر از جمله به خاطر انتشار مصاحبه با افرادی از میان همجنس گرایان زن و مرد، دوجنسی ها و دگرجنس گونه ها در وبلاگ خود در ژانویه به چهار سال زندان، شلاق و جریمه محکوم شد.

تبعیض - اقلیت های قومی

جوامع اقلیت قومی ایران شامل عرب های اهوازی، آذربایجانی ها، بلوچ ها، کُردها و ترکمن ها، با تبعیض ادامه دار در عمل و قانون روبرو بودند. استفاده از زبان های اقلیت در اداره های دولتی و برای تدریس در مدارس هنوز ممنوع بود. فعالانی که برای حقوق اقلیت ها فعالیت می کردند مورد تهدید قرار گرفتند، دستگیر شدند و به زندان افتادند.

* زندانی عقیدتی محمد صدیق کبودوند هنوز محکومیت 10 سال و نیم زندان خود را به خاطر نقش خود در تشکیل سازمان حقوق بشر کردستان می گذراند و از رسیدگی پزشکی کافی محروم است.

* محمد صابر ملک ریسی، جوان بلوچ 16 ساله اهل سرباز که از سپتامبر 2009 (شهریور 1388) احتمالاً برای وادار کردن برادرش به تسلیم به دولتمردان در بازداشت بوده است، به پنج سال زندان در تبعید محکوم شد، به این معنا که حکم زندان را باید در زندانی به دور از خانواده اش بگذراند.

آزادی دین

در پی فراخوان های مکرر مقام رهبری و دولتمردان دیگر برای مبارزه با «دین های ساختگی» – که گویا اشاره به مسیحیت تبشیری، بهاییگری و صوفیگری است – اعضای اقلیت های دینی، شامل نوکیشان مسیحی، بهاییان، روحانیان منتقد شیعه، و اعضای جوامع اهل حق و دراویش گرفتار آزار و تعقیب ادامه دار بوده اند. مسلمانان اهل سنت نیز در بعضی شهرها با محدودیت بر نماز جماعت روبرو بوده اند و بعضی از روحانیان اهل سنت دستگیر شده اند.

* حداقل هفت بهایی به زندان های بین چهار و پنج سال محکوم و بیش از 30 نفر دیگر در حمله به موسسه آموزش عالی بهایی دستگیر شدند. این موسسه دوره های آموزش عالی را به صورت آنلاین در اختیار دانشجویان بهایی قرار می داد که از ورود به دانشگاه ها محروم می شوند. این هفت نفر از جمله 100 بهایی هستند که به خاطر اعتقادشان در زندان به سر می برند از جمله هفت رهبر آنها که حکم های 20 سال زندان آنها با لغو حکم سال 2010 دادگاه تجدید نظر دوباره در مارچ (اسفند) تایید شد.

* حداقل 100 درویش گنابادی (یکی از سلسله های مذهبی صوفی)، سه تن از وکیلان مدافع آنها، و 12 تن از روزنامه نگاران مجذوبان نور که وبگاه خبری سلسله دراویش گنابادی است، در سپتامبر و اکتبر (شهریور و مهر) در کوار و تهران دستگیر شدند. در پایان سال 2011، حداقل 11 نفر، اغلب بدون دسترسی به وکیل یا خانواده، هنوز در بازداشت به سر می بردند.

* محاکمه مجدد یوسف ندرخانی، کشیش مسیحی متهم به «ارتداد»، در سپتامبر (شهریور) شروع شد. او که در خانواده ای مسلمان به دنیا آمده است، در اکتبر 2009 (مهر 1388) دستگیر شد. او در سال 2010 به علت خودداری از انکار مسیحیت که به آن گرویده بود، به اعدام محکوم شد، اما دیوان عالی کشور این حکم را در جون (خرداد) لغو کرد.

* سید محمد موحد فاضلی، امام جماعت اهل سنت شهر تایباد، در پی اعتراض به استعفای اجباری او از امامت جماعت، از ژانویه تا آگوست (دی تا مرداد) در بازداشت به سر برد.

مجازات اعدام

صدها نفر به اعدام محکوم شدند. منابع رسمی حداقل 360 اعدام را گزارش کردند، هر چند اطلاعات معتبر دیگر حاکی از بیش از 274 اعدام دیگر و اعدام مخفیانه بسیاری از زندانیان بود. بیش از 80 درصد اعدام ها گویا به اتهام جرایم مواد مخدر انجام شد که اغلب مردم تهی دست و جوامع حاشیه ای، به ویژه افغان ها، را شامل می شود. اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر در ژانویه به اجرا در آمد؛ محکومان به اعدام بر اساس این قانون ظاهرا از حق اعتراض محروم هستند.

تعداد اعدام های انجام شده در انظار عمومی چهار برابر شد؛ حداقل پنجاه مورد رسماً اعلام شد و شش مورد دیگر را نیز منابع غیررسمی گزارش کردند. حداقل سه مجرم نوجوان - یعنی کسانی که به خاطر جرایم ارتكابی در سن کمتر از 18 سالگی محکوم می شوند - اعدام شدند؛ منابع معتبر خبر از اعدام چهار نوجوان دیگر دادند. اعدام به وسیله سنگسار گزارش نشد، اما حداقل 15 نفر محکوم به سنگسار، از جمله سکینه محمدی آشتیانی، در زیر حکم اعدام به سر می برند. هزاران نفر از زندانیان دیگر در زیر حکم اعدام هستند.

* جعفر کاظمی و محمد علی حاج آقایی در تاریخ 24 ژانویه (4 بهمن) اعدام شدند. آنها به اتهام محاربه به علت داشتن تماس با سازمان مجاهدین خلق ایران که یک گروه غیرقانونی است، و «تبلیغ علیه نظام» در ارتباط با ناآرامی ها سال 1388 محکوم شده بودند.

* در تاریخ 21 سپتامبر (30 شهریور)، علیرضا ملا سلطانی، 17 ساله، که به خاطر قتل یک ورزشکار پرتطرفدار محکوم شده بود، در کرج اعدام شد در حالی که قتل در جولای (تیر) انجام شده بود. او گفت پس از این که آن ورزشکار، روح الله داداشی، در تاریکی به او حمله کرده بود در دفاع از خود او را با چاقو زده است.

* در ماه دسامبر (آذر)، زندانی سیاسی زینب جلالیان از تخفیف در حکم اعدام خود مطلع شد.

دیدارها/گزارشهای عفو بین الملل

عفو بین الملل محرومیت از دیدار از ایران را با مسئولان دیپلماتیک ایرانی مورد بحث قرار داد اما هنوز از دیدار از ایران محروم بود. دولتمردان به ندرت به نامه های عفو بین الملل واکنشی نشان دادند.

• مصمم به زیستن با آبرو – مبارزه فعالان کارگری ایران برای حقوق خود (MDE 13/024/2011)

• گزارش به کمیته حقوق بشر (MDE 13/081/2011)

• معتاد به مرگ: اعدام به اتهام جرایم مواد مخدر در ایران (MDE 13/090/2011)

بیانیه ی کانون نویسندگان ایران درباره ی بازداشت فریبرز رئیس دانا

کانون نویسندگان ایران

کانون نویسندگان ایران حکم صادره در مورد فریبرز رئیس دانا را فاقد هر گونه اساس حقوقی می داند و خواهان توقف اجرای حکم و آزادی بی قید و شرط او و همه ی زندانیان سیاسی است.

فریبرز رئیس دانا، اقتصاددان و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران صبح روز دوشنبه اول خرداد ۱۳۹۱، به دنبال مراجعه ی روز قبلِ ماموران برای جلب او، خود را به پاسگاه پلیس امنیت معرفی کرد و از آن جا به زندان اوین منتقل شد.

“جرم” رئیس دانا آن بود که هم زمان با اجرای “طرح هدفمندسازی یارانه ها” از دیدگاه یک اقتصاددان مخالفت خود را با اجرای این طرح و دلایل این مخالفت را بیان کرد؛ امری که در هیچ نظام قضایی وصف مجرمانه ندارد و پس از آن نیز بارها شاهد مخالفت افراد، گروه ها، جناح های مختلف سیاسی و حتی کار بدستان نظام با این طرح بوده ایم، بی آن که هیچ یک از آن ها بازداشت شوند یا تحت تعقیب قرار گیرند.

رئیس دانا در آذر ۱۳۸۹ و پس از مصاحبه ای در این زمینه شبانه و

بلافاصله بازداشت شد و در جریان بازجویی ها عضویت در کانون نویسندگان ایران نیز به عناوین اتهامی او افزوده شد. او پس از یک ماه حبس با سپردن وثیقه آزاد شد و سرانجام در بهار ۱۳۹۰ به موجب حکم دادگاه بدوی به یک سال حبس تعزیری محکوم گردید. این حکم در آذر ۱۳۹۰ در دادگاه تجدید نظر تایید شد.

از آن جا که بحث نظری درباره ی سیاست های جاری کشور در زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... حق یکایک شهروندان است و طرح چنین بحث ها یا عضویت در تشکلی چون کانون نویسندگان ایران در هیچ نظام حقوقی و انسانی وصف جزایی ندارد، کانون نویسندگان ایران حکم صادره در مورد فریبرز رئیس دانا را فاقد هر گونه اساس حقوقی می داند و خواهان توقف اجرای حکم و آزادی بی قید و شرط او و همه ی زندانیان سیاسی است.

کانون نویسندگان ایران

۱۳۹۱/۳/۲

بیانیه ی کانون نویسندگان ایران



بیانیه ی کانون نویسندگان ایران

به مناسبت درگذشت پرویز شهبازی

...او هرگز از تعهد اجتماعی خود دوری نکرد و همواره در کنار مردم اعماق، که از میان آنها برخاسته بود، قرار داشت. درگذشت او ضایعه ای بزرگ برای جامعه ی علمی و فرهنگی مستقل کشور است.

یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۱ - ۱۳ مه ۲۰۱۲

پرویز شهبازی (۱۳۰۵ - ۱۳۹۱) در بیست و دوم اردیبهشت ۱۳۹۱ چراغ

عمرش خاموش شد. او ریاضیدانی برجسته، نویسنده و مترجمی توانا و به ویژه روزنامه نگاری پرکار بود و در گذر سالیان سردبیری چند مجله از جمله سخن علمی، وهومن و چیستا را به عهده داشت. ترجمه های پرویز شهرباری گزیده شده و آمیخته به وسواسی حرفه ای است. همچنین او هرگز از تعهد اجتماعی خود دوری نکرد و همواره در کنار مردم اعماق، که از میان آنها برخاسته بود، قرار داشت. درگذشت او ضایعه ای بزرگ برای جامعه ی علمی و فرهنگی مستقل کشور است.

کانون نویسندگان ایران این ضایعه را به خانواده و دوستان پرویز شهرباری و همچنین به جامعه ی علمی و فرهنگی مستقل کشور تسلیت میگوید.

کانون نویسندگان ایران

۲۳/۰۲/۱۳۹۱

دانشجویانی را که به دلیل ابراز عقیده زندانی شده اند آزاد کنید

دیده بان حقوق بشر

براساس این گزارش، از مارس ۲۰۰۹ تاکنون، ۴۳۶ دانشجو دستگیر، ۲۵۴ تن محکوم، و ۳۶۴ تن تعلیق و یا از دانشگاه اخراج شده اند. دفتر تحکیم همچنین ادعا می کند که مسئولین قضایی دست کم ۱۴۴ دانشجو را مورد بازجویی قرار داده اند و ۱۳ نشریه دانشجویی توسط مسئولین تعطیل شده است.

یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۱ ساعت ۰۷:۴۲

دیده بان حقوق بشر امروز گفت که مقامات ایرانی باید فوراً ده ها دانشجوی دانشگاه را که به دلیل ابراز عقاید سیاسی مسالمت آمیز

خود در پشت میله‌های زندان هستند آزاد کرده و به آزار و اذیت فعالان دانشجویی در محیط دانشگاه‌ها در سراسر کشور پایان دهند. دیده‌بان حقوق بشر این درخواست را به عنوان بخشی از یک کمپین مشترک مطرح کرد که توسط دانشجویان ایرانی و بین‌المللی و گروه‌های حقوق بشری برای افشای سیاست‌های سرکوب سیستماتیک دولت علیه دانشجویان به دلیل فعالیت‌های سیاسی آنان راه اندازی شده است.

این کمپین خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط ۳۲ دانشجویی شده است که به اتهام جرائم مختلف امنیتی زندانی هستند. مقامات بسیاری از این دانشجویان را پس از برگزاری انتخابات بحث برانگیز ریاست جمهوری جون ۲۰۰۹ دستگیر کردند و دادگاه انقلاب آنان را به اتهاماتی چون «تبلیغ علیه نظام»، «شرکت در تجمعات غیر قانونی»، و «توهین به مقام ریاست جمهوری» محکوم کرد. در نتیجه تمامی آنان مشخصاً به دلیل به کار بستن حقوقشان تحت قوانین بین‌المللی برای آزادی بیان، آزادی انجمن‌ها و تجمع صلح‌آمیز محکوم شدند. مسئولین امنیتی، اطلاعاتی و دانشگاهی در طی چند سال گذشته صدها دانشجوی دیگری را که از دولت انتقاد کرده بودند، تنبیه، تعلیق، و یا از دانشگاه اخراج کرده‌اند.

سارا لی ویتسون، دبیر بخش خاورمیانه دیده‌بان حقوق بشر، گفت: «دانشگاه‌های ایران به جای ارائه خدمات به عنوان مراکز آموزش عالی و مباحثه آزاد، به مراکزی برای مسکوت‌سازی مخالفان، خفه کردن حقوق اکادمیک، و تحمیل یک دست تفکر تبدیل شده‌اند.»

در تاریخ ۲۱ آوریل ۲۰۱۲ دو تا از بزرگ‌ترین گروه‌های دانشجویی ایران، دفتر تحکیم وحدت و دانش‌آموختگان ادوار دفتر تحکیم وحدت پیشگام راه اندازی کمپینی اعتراضی به نام «صدای دانشجویان دربند باشیم» شدند.

فعالان این کمپین را به مجرد انتشار گزارشی راه اندازی کردند که توسط دفتر تحکیم برای مستندسازی دستگیری‌های دانشجویان تهیه شده بود. براساس این گزارش، از مارس ۲۰۰۹ تاکنون، ۴۳۶ دانشجو دستگیر، ۲۵۴ تن محکوم، و ۳۶۴ تن تعلیق و یا از دانشگاه اخراج شده‌اند. دفتر تحکیم همچنین ادعا می‌کند که مسئولین قضایی دست کم ۱۴۴ دانشجو را مورد بازجویی قرار داده‌اند و ۱۳ نشریه دانشجویی توسط مسئولین تعطیل شده است.

احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران،

وضعیت اسفناک دانشجویان ایرانی را در آخرین گزارش خود در مارس ۲۰۱۲ برجسته ساخته است. این گزارش، که به دنبال گزارش مقدماتی که در ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۱ منتشر شده بود بیرون آمد، «موارد تکان دهنده نقض حقوق بشر» را توسط مقامات ایرانی مستند ساخت و از تداوم عدم همکاری ایران با نهادهای سازمان ملل انتقاد کرد.

در اواخر ماه آوریل، کامران دانشجو، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری اعلام کرد که «کسانی که در فتنه سال ۸۸ فعال بودند... حق ورود به دانشگاه‌ها را ندارند». وزارت علوم، نهاد اصلی تنظیم‌کننده دانشگاه‌ها در ایران، اقدام به تحرکات بحث برانگیزی در طول دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد برای «اسلامی سازی» دانشگاه‌های ایران کرده است.

ویتسون در این زمینه گفت: «مطلقاً هیچ دلیلی وجود ندارد که این دانشجویان یک روز دیگر را در پشت میله‌های زندان سپری کنند، چه رسد به آنکه آنان از حق مسلم خود برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها محروم شوند. مقامات باید همه اتهامات وارده علیه این دانشجویان را باطل اعلام کرده و همه آنان را که به دلیل انتقاد از دولت زندانی شده‌اند آزاد کنند، و به سیاست‌های بیهوده خود مبنی بر منع دانشجویان از ادامه آموزش عالی به دلیل فعالیتهای مسالمت آمیز سیاسی پایان دهند.»